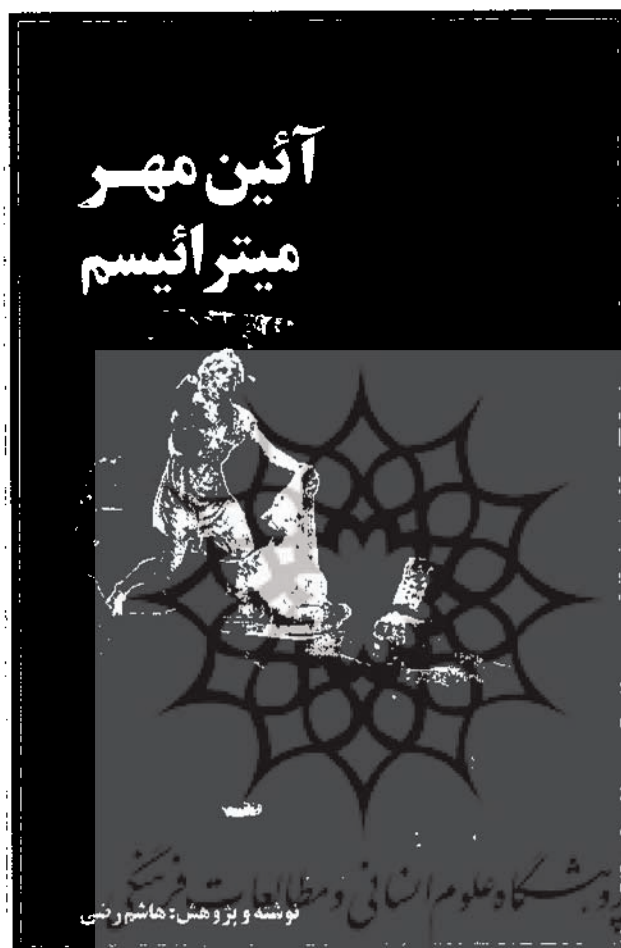


اساطیر و هنر میترایبی

گفت‌وگو با «هاشم رضی»



پرتال جامع علوم انسانی

هاشم رضی از پژوهشگران اسطوره‌شناس و ایران‌پژوهی است که در زمینه شناخت اسطوره و فرهنگ ایرانی دارای آثار متعددی می‌باشد. آثاری چون «آیین مهر»، «ادبیات سنتی زردشتی»، «اوستا»، «ادیان بزرگ جهان»، «فرهنگ‌نامه‌های اوستا»، «گاه شماری و جشن‌های ایران باستان» و... از این شمارند.

هاشم رضی همت خویش را بر مطالعه آیین میترا مصروف داشته و به زودی دو کتاب با نام‌های «تاریخ آیین رازآمیز میترایبی» و «آیین پررمز و راز میترایبی» از وی به چاپ خواهد رسید. در آستانه چاپ این دو اثر، کتاب ماه هنر به گفت‌وگویی با وی در زمینه آیین و هنر میترایبی پرداخته است که مشتمل بر سه بخش خاستگاه آیین میترا و نظام اساطیری آن، آیین میترایبی و اساطیر میانه ایران، و تداوم آیین میترایبی در فولکلور و فرهنگ ایرانی است. بخش نخست این گفت‌وگوی مفصل در این شماره کتاب ماه هنر، ویژه «اسطوره» منعکس می‌شود.

کتاب ماه: خاستگاه تاریخی و جغرافیایی میترایسیم به چه زمان و مکانی بازمی‌گردد و چگونه این آیین به نواحی مختلف جهان گسترش می‌یابد؟

○ شاید «مادر» همه آیین‌ها و نحوه تفکر باستانی و شمول‌آمیز فرهنگ ایرانی آیین میترايي باشد. منظوم از واژه «فرهنگ» Culture همه جنبه‌های فکری بشر است و نه جنبه‌های تکنیکی، فیزیکی و علمی آن، و آیین میترايي روی همه جنبه‌های فکری مزبور تا به امروز اثر گذاشته است. زمانش هم از لحاظ تاریخی بسیار دور است. در گاتاه‌ها به عنوان قدیمی‌ترین سند مکتوب ایران، تعارض زرتشت را با آیین میترايي می‌بینیم که در کتاب «تاریخ رازآمیز آیین میترايي» در این زمینه خیلی گسترده یعنی در حد یک کتاب پژوهشی، مستندات را ارائه دادیم. اما آرا و عقاید میان شرق‌شناسان و یا در نزد خود محققان ایرانی مختلف است. گروهی معتقدند که این تعارض میان زرتشت و آیین میترايي وجود ندارد. اما برای آن کس که اهل پژوهش و تحقیق است و درباره آیین زرتشتی و میترايي و به ویژه آیین زروانی به صورت تطبیقی کار کرده است این تعارض به شکل روشنی قابل شناخت می‌شود. این امر در اصطلاحاتی که زرتشت به کار برده و مواردی از رسوم و آداب که آن را بدون یادکردی از میترا و پیروانش مطرح ساخته خود را نشان می‌دهد و برای یک پژوهشگر هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد. کهن‌ترین یادمان مکتوبی که ما از اسطوره‌ها و آیین‌های میترايي می‌شناسیم اشارات زرتشت در گاتاه‌ها و اشارات مهریشت است. برای ترک این آیین، پژوهشگر باید به ریگ ودا، ادبیات اساطیری حوزه مدیترانه، آسیای صغیر و بین‌النهرین تسلط داشته باشد تا جای پای اندیشه میترايي را که به طور کلی به خورشیدپرستی برمی‌گردد، در این چشم‌اندازها ببیند. به همین جهت اگر ما مأخذ را به فرض به ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد و تاریخ گاتاه‌ها به عقب ببریم، آیین میترايي در آن زمان آیین کاملی در شرق ایران بوده است. زرتشت سیاستمدارانه به آیین میترايي اشاره مستقیم نمی‌کند. اما نشانه‌های مشخصی در این زمینه وجود دارد. او مثل دیگرانی که نام برده اشاره مستقیم نمی‌کند چون در این صورت اثرات منفی آن دامنگیر آیین وی می‌شد. از این روی شما نام مهر را حدود ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد در آن عهدنامه‌های که میان هیتی‌ها و میتانی‌ها باقی مانده ملاحظه می‌کنید. در ریگ ودا آن را به صورت روشنی می‌بینیم. هند و اروپایی‌ها و هند و ایرانی‌ها مهر را پیش از جنا شدن از هم و مهاجرت به نقاط مختلف خوب می‌شناختند. حتی در شمال اروپا ما جای پای مهر را در اساطیر اسکندیناوی به صورت روشن داریم و آن را در میان ژرمن‌ها، گل‌ها، سلت‌ها و در بین‌النهرین و حوزه مدیترانه به شکل بارزی مشاهده می‌نماییم. در جنوب اروپا هم از زمان به قدرت رسیدن رومی‌ها نفوذ و گسترش آیین میترايي را مشاهده می‌کنیم. میترایسیم به روشنی در مجموعه اساطیر باستانی ایران به صورت شاخصی قرار دارد و به کهن‌ترین شکل آنها بازمی‌گردد.

کتاب ماه: این بخش از سخن شما به گسترش آیین میترايي اشاره دارد یا نه آنکه همزمان این آیین‌ها با هم در سطح جهان وجود داشته باشد؟

○ بله مسلماً منظور من گسترش آن است. در ایران از سروده‌های زرتشت یادر عهدنامه میتانی‌ها و هیتی‌ها، یا در متن ودا که وجوه مشترکی درباره میترا با اوستا دارد، بی‌شک در این موارد ما با خاستگاه میترا مواجه هستیم و بی‌گمان در بسیاری از نقاط جهان مهر و میترا را به خوبی می‌شناختند و اساطیرش هم در ایران شکل گرفته بوده است. در ایران میترایسیم بسیار کهن‌تر از حضور آن در سده دوم و سوم پیش از میلاد در جنوب اروپا بوده است و سپس این آیین که در ایران شکل یافت و به دیگر نقاط جهان گسترش پیدا کرد.

کتاب ماه: این آیین چگونه از ایران به بسیاری از نقاط جهان گسترش می‌یابد؟

○ در زمینه گسترش این آیین دو کتاب «فرانتس کومن» را ترجمه کرده‌ام که منبع بسیار خوبی برای پاسخ پرسش شماست. کتاب «رازهای میترا» و همین‌طور «رازها و یادمان‌های میترايي». در این کتاب‌ها که در سال ۱۹۰۰ منتشر شد فرانتس کومن بر این باور بود که میترایسیم به وسیله راهزنان دریایی به اروپا راه یافته است و به ویژه در نزد رومی‌ها که امپراتوری جهان‌گستر و جنگ‌آواری حرفه‌ای بودند گسترش یافت. و برای این امر، دلیل او صفت جنگ‌آواری خنای میترا بود. اما کومن به هیچ‌وجه به این موضوع توجه نکرد که میترایسیم تنها میان نظامی‌ها گسترش پیدا نکرد و گسترش آن در نزد همه مردم و تمامی سرزمین‌ها از شرقی‌ترین قسمت شمال ایران تا شمال غرب ایران، حوزه مدیترانه و آسیای صغیر و حتی تا شمال آفریقا صورت گرفت. روابط فرهنگی ایران و یونان هم از طریق راهزنان و یا جنگ‌آوران نبود، سرداران و سرکردگان سپاه به ایران نمی‌آمدند بلکه فیلسوفان و عالمان یونان به ایران آمده و با فرهنگ و دین ایرانی آشنا می‌شدند و سپس به سرزمین خود بازمی‌گشتند. وانگهی آیین میترايي اصولاً یک آیین جنگ‌آواری نبود که جنگ‌آوران آن را توسعه داده باشند. در این مبادلات فرهنگی بیش از اینکه نظامی‌ها دخیل باشند، سفر اقوام و مردم به سرزمین هم موثر بوده است. زیرا پیش از اینکه مردم با هم بجنگند با یکدیگر تجارت می‌کردند. تجارت و بازرگانی اهمیت بسیار زیادی داشت. مثلاً فرض کنید بازرگانان ایرانی از طریق حوزه مدیترانه به یونان و روم و یا آسیای صغیر می‌رفتند. و یا برعکس آنها به ایران می‌آمدند و در آن‌جا پایگاه‌ها و بنگاه‌های تجاری برپا می‌کردند و با عادات و رسوم هم آشنا می‌شدند. آنچه خوب بود برمی‌گزیدند و معمولاً برای مردمان کهن آنچه قابل توجه‌تر بود که رازآمیزتر باشد.

کتاب ماه: دلیل جذابیت این رازآمیزی چه بود؟

○ دلیلش نوع فکر و نظام اندیشگانی بشر از نظر جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی و چگونگی باورها و نگاه مردم ابتدایی است. من در کتاب سه جلدی خود راجع به اقوام و جوامع ابتدایی اشاره کرده‌ام که برای اقوام ابتدایی چیزی اصالت بیشتری داشت که با تقدس بیشتری توأم بوده و از ابهام بیشتری برخوردار بود. آیین مهر نیز بسیار رازآمیز بود و ابهام زیادی را ارائه می‌کرد به همین دلیل هم هست که ما از این آیین اثر مکتوب چندانی در دست نداریم. آیین‌ها و مراسم و باورهای رازآمیز میترايي در مبادلات فرهنگی که اندیشمندان و فلاسفه مختلف سرزمین‌ها با هم داشتند؛ نیز

آیین‌هایی که مردم را به خود جذب می‌کرد، گسترش یافت و سنتی عرفانی را در جهان شکل بخشید که بعدها مانویت از آن منتج شد و البته بر حکمت و عرفان ایرانی چه پیش از اسلام و چه در دوران اسلامی تأثیری قابل تأمل نهاد.

کتاب ماه: آیا «میترا» و آیین منسوب به او به مرور زمان و یا با توجه به جغرافیای فرهنگی و بومی آن تکامل و تحول می‌یابد و به بیان دیگر آیا میان میترايي ایرانی، میترا ودايي، و میترايي که بعدها در غرب ظهور می‌کند تفاوت و تمایزی دیده می‌شود؟

○ در اصل تفاوتی وجود نداشته است. موبدان در یشت‌ها دست بردند و آن را دگرگون ساختند. آنها ترکیب میترا - اهورا را برداشتند و تنها در یکی دو جاست که این اصطلاح را در هفتین یشت می‌بینیم و در اصل میترا - ورونه به صورت میترا - اهورا درآمده است. موبدان قصد داشتند اهورا را فراتر از تمامی خدایان دیگر قرار دهند. موبدان در زمان تدوین اوستا خیلی کارها کردند همان‌طور که نام رستم و بسیاری از پهلوانان را در اوستا حذف کردند. مثلاً داستان رستم و اسفندیار از این شمار است. ما در شاهنامه می‌خوانیم که گشتاسب به پسرش اسفندیار می‌گوید برو و رستم را دست بسته بیاور. برای چه؟ اگر شما تاریخ طبرستان را بخوانید درمی‌یابید که اسفندیار یک رسول است و رستم را به دین مزدیسنی زرتشتی دعوت می‌کند و رستم آن را نمی‌پذیرد. اسفندیار یک سردار جنگی زرتشتی است و وقتی رستم حاضر به قبول دین زرتشتی نمی‌شود میان آنها جنگ درمی‌گیرد. موبدان نام رستم را از اوستا حذف می‌کنند. آنها ترکیب میترا - اهورا را حذف می‌نمایند. در جایی از قسمت‌های قدیمی مهریشت اهورا مزدا نه بزرگ‌ترین خدایان که فقط یکی از آنهاست. اما در جایی دیگر میترا بزرگ‌ترین خدایان است. بزرگ‌ترین یزته Yazataهاست. موبدان میترا را باقی گذاشتند اما مقام او را فروکاستند و در یشت‌ها دست بردند. آنها ترکیب میترا - ورونه را میترا - اهورا و میترا - اسور کردند و آن‌ها کم‌کم ترکیب میترا را هم اصلاً برداشتند. به همین دلیل است که مهر غیر از مهریشت در اوستا چندان نمودی ندارد. البته به غیر از مقاطعی که در زمان ساسانیان و هخامنشیان اهمیت می‌یابد. دستبرد مغان در یشت‌ها سبب می‌شود که بعضی از محققین امروزی به این باور و اندیشه برسند که آیین مهری که در اروپا و روم شکوفا شد نزدیک بود جهانی و جاودان شود آن آیین مهری که در ایران بود نیست. آنان این گمان را مطرح ساختند که خدایان همراه مهر با خدایان مهری در ایران تفاوت دارند و یا مثلاً رسم کشتن گاو در ایران وجود نداشته است در حالی که زرتشت کاملاً و به شکلی روشن به این مسئله اشاره می‌کند و برای نمونه در یسنای ۲۹، یسنای گئوش اورون (Geusurvan) این آیین‌ها خیلی روشن است. روان گاو به درگاه خلوند خروش برمی‌دارد و به افراط و خشونت در قربانی کردن اعتراض می‌کند. زرتشت در گاتاه یعنی قدیمی‌ترین قسمت اوستایی، این امر را مذموم می‌شمارد. آیینی که در اوج قدرت امپراتوری روم دیده می‌شد، یک امپراتور هزار گاو برای میترا قربانی می‌کرد برای شناخت میترا باید غور و پژوهشی کامل در اوستا و کتاب‌های پهلوی داشته باشیم. اما متأسفانه در ایران خودمان از دینکرد حتی یک قسمت از یک جلدش هم ترجمه‌ای نداریم. پس ما چگونه



می‌توانیم مقام میترا در ایران و آیین‌های مربوط به او را به خوبی بشناسیم و بدانیم که مثلاً در روم چه چیزهایی به آن اضافه شده است. اما باید گفت که میترا هر جایی که می‌رفت اسم خود را داشت و تنها خدایان همراهش نام عوض می‌کردند. خدایان بومی یونان، روم و حوزه مدیترانه، در دورافوس (doraufus) در کنار فرات یا در شمال آفریقا جای خدایان ایرانی را می‌گرفتند. این خدایان، تابع خدایان محلی می‌شدند اما اصل میترایسم و خمیره آن محفوظ ماند و در هر سرزمینی، خدایان همراه میترا نام خدایان بومی و محلی را که دارای وظایف مشابه بودند، به خود می‌گرفتند. در بخش ایزدشناسی میترای، این مورد و موضوع‌های همانند را در کتاب «تاریخ آیین رازآمیز میترای» مورد پژوهش قرار داده‌ام.

کتاب ماه: یعنی کارکردهای خدایان یاد شده هیچ‌گونه تغییری نمی‌یافت؟

○ کارکردها، وظایف ایزدان و مراسمی که انجام می‌شد یکی بود. مثلاً فرض کنید با ورود آیین میترای به روم، آیین‌هایی چون آیین ایزیس izis یا آیین بزرگ مادر یا آیین ارفه یا آیین دیونیزیوس diyoniziyus و آیین‌های دیگری که در روم شایع بود به تمامی تحت تأثیر آیین میترای قرار گرفته البته این به آن معنا نیست که آیین میترای چیزی وام نگیرد. آیین میترای هم عناصری از آیین‌های بومی می‌گرفت. ولی بیش از آن مقدار که می‌گرفته عناصری را به آنها می‌بخشید. به همین جهت وقتی که نگاه می‌کنید می‌بینید که آیین میترا در جنوب اروپا در زمان شکوفایی‌اش با میترایسم در ایران، خدایان و آیین‌های آن شکلی همگون داشته است. اما مهر اوستایی را اگر کسی بخواهد بیشتر بشناسد باید سروش را بیشتر بشناسد. بیشتر وظایف مهر و کارکردهایش را موبدان به سروش sarosa نسبت دادند سروش خدای معانی، خدای مزدیسنی زرتشتی نه زرتشتی است. آیین زمان ساسانیان، آیین دین مزدیسنی زرتشتی می‌باشد آنچنان که در وندیداد آمده است.

کتاب ماه: یعنی در اوستا و آیین زرتشتی وظایف و کارکردهای میترا به سروش انتقال پیدا



تفسیر و قرائت و برداشت خود را اصل قرار می‌دهد و آنها را در شکلی که خود می‌خواهد مطرح می‌سازد.

کتاب ماه: اساطیر مهري در آیین زرتشتی چگونه تأویل می‌پذیرند؟

○ آیین مهري در میان مردم ریشه و نفوذ فراوانی داشت و موبدان نتوانستند این آیین را از میان بردارند. به تعبیر دیگر مردم باز همان مراسم میترا را با نام آیین زرتشتی انجام می‌دادند به همین جهت است که می‌بینیم آن دور آشه و یا هومی که زرتشت با آن مخالفت می‌کرد، در زمان ساسانیان به قوت خویش باقی می‌ماند. امروز هم هنوز چون هوم را نمی‌شناسند چیزی را سمبل و جایگزین هوم می‌سازند و در مراسم به کار می‌برند در اوستا این عناصر میترای را بسیار مورد اعتقاد می‌بینیم.

کتاب ماه: مهمترین عناصر مهري که زرتشت آنها را با تفسیر و تأویل خود به کار می‌برد، کدام‌ها هستند؟

○ قربانی کردن در جایی که نور خورشید غایب است یعنی شب‌هنگام. در آیین میترای این نوع قربانی که در پشت پنجم نکوهش شده و نشانه کفر و اشموغي است نقل شده. پلوتارک هم به آن اشاره می‌کند که به گمان غالبه سخن و شرح وی درباره آیین میترای است و زرتشت نیز در گناهانه با مذمت به آن اشاره می‌کند - و این عطف به مراسم قربانی برای اهریمن است.

○ قربانی کردن فزون از اندازه گاو - و از گوشت بریان آن سور و بگماز برگزار کردن و مراسم سماع و پایکوبی و نوشیدن بسیار از مشروب هوم که مستی‌آور و خلسه‌کننده است. زرتشت با روشنی، چندین بار به این رسوم کفرآمیز اشاره می‌کند.

○ بلور به قربانی کردن برای اهریمن و عبادت او همراه با مراسمی ویژه در تاریکی شب که وی را بر سر رحمت آورده و از شروزیان باز دارند. یکی از نکات مهم در آیین‌های زروانی /

می‌نمایند؟

○ همه کارکردها و حتی سلاح‌های مخصوص میترا و خدایان همراهی‌کننده‌اش به ایزد سروش انتقال پیدا کرد. سروش یشت یک یشت جدید است.

کتاب ماه: بعضی هم میترا را با ایندرا و بهرام ورتزغنه (Versarqana) مقایسه می‌کنند؟

○ ایندرا خدای جداگانه‌ای است و بعضی‌ها آن را بهرام (ورتزغنه) و برخی نیز با گرشاسب و برخی خدایان دیگر هم مقایسه می‌کنند. اما این مقایسه‌ها پایه استنادی ندارد. ما در خود وادها و وظایفی را در مورد میترا - ورتزغنه و میترای تنها می‌بینیم که عیناً در یشت‌ها هم هست. منتها اسم‌ها در لابه‌لای عوض شده است یا گروه خدایان اندکی تغییر یافته است. که اینها به جغرافیای فرهنگی و باورهای بومیانی که در آن سرزمین‌ها بوده‌اند بازمی‌گردد. باورهای آریایی در آمیزش با باورهای بومی مزبور تأثیرگذار بوده است اما تأثیر خیلی سازنده روی مهر وادایی یا ایرانی نمی‌کنارد.

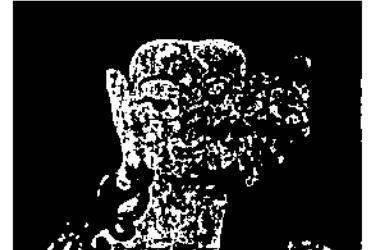
کتاب ماه: از نظر زمانی اساطیر میترای خیلی پسین‌تر و قدیمی‌تر از اساطیر زرتشتی هستند؟

○ خیلی قدیمی‌تر است برای اینکه زرتشت وقتی که ظهور می‌کند، اولین کار که می‌کند غیر مستقیم به پیروان آیین میترا حمله می‌برد. این مسئله را به روشنی در اصطلاحات به کار رفته در اوستا بازمی‌یابیم. مثلاً از هوم haoma یا سوم saoma در ودا نام می‌رود که عصاره گیاهی سکرآور بوده و آن را در مراسم دینی می‌نوشیدند و صفت آن دورآشه duraosa است اما زرتشت نمی‌گوید هوم، بلکه صفت هوم را به کار می‌برد و از دورآشه سخن می‌گوید. صفت را به جای اسم به کار می‌برد. در زمانی که زرتشت ظهور می‌کند، آیین مهر آیین غالبی در ایران و در حال گسترش بوده است زرتشت از مفاهیم معنوی آیین مهري که در میان مردم طرفدار و هواکار بسیار داشته بهره می‌جوید، اما

میتراپی همین مورد است. نفی تقدس و شفابخشی مسکر هوم و ایزد هوم - که از آن نیز به روشنی یاد نمی‌کند و چنان که اشاره شد صفت بارز آن، یعنی دورآشه را که جانشین اسم است به کار می‌برد.

نفی مؤکد توجه ایزدان بسیار - که از آنها به عنوان دیوان یاد می‌کند.

نفی مراسم عبادی، که زرتشت خود با تأکید با آن مخالفت کرده و پیروان خود را از فریب برگزار کنندگان و اجرای آن مراسم خونین و سماع‌های لجام گسیخته نهی می‌کند و



مواردی دیگر که از حوصله این گفت و گو بیرون است و در کتاب یاد شده مورد پژوهش قرار گرفته است.

کتاب ماه: می‌شود گفت ما در اساطیر زردشتی شاهد گونه‌ای از هنتوتیسیم و در واقع وجود یک خدای بزرگ همراه با خدایان کوچک هستیم؟ و این ناشی از نظام پلی‌تیسیمی ماقبل زرتشتی و خدایان مقتدری چون میترا، ناهید، هرمزد و... است؟

این یکی از مشخصات و ویژگی‌های تمام آیین‌های ایرانی و از جمله زرتشتی است. آیین زروانی هم همین‌طور است. زروان خودش خدای تنها نبود. وقتی گفته می‌شود که زروان به خاطر ناراضی شدن فرزندی هزار سال دعا کرده به درگاه که دعا کرده است؟ پس خدایان دیگری هم بوده‌اند. از زروان دو خدا متولد می‌شوند و آنان نیز خود خدایان دیگری را خلق می‌کنند. در آیین زرتشتی هم این مشخصه را می‌بینیم، یعنی کار و وظایف میان خدایان مختلف تقسیم می‌شود. ولی یک خدا نماد و شاخص است این خدای شاخص حتی به درگاه خدایان دیگر قربانی می‌کند و از آنان طلب یاری نارد. شما در یشت‌ها می‌بینید که در یستا ۱۰ و ۱۱ به نام هوم‌یشت این مسئله مطرح است و در سایر منابع پهلوی هم می‌بینید که خود اهورامزدا برای خدایان دیگر قربانی می‌کند و از آنان درخواست یاری نارد (البته در گاتاها چنین نیست و این صورت متأخر زرتشتی مزدیسنی است.) می‌بینید که چندخدایی وجود داشته و موبدان هم نتوانستند جلوی آن را بگیرند. بله بی‌شک در تبدیل یک نظام فکری پلی‌تیسیمی و چندخدایی به نظامی هنتوتیسیمی و تک‌خدایی در باورهای اساطیری و از جمله در ایران، این فرایند ناگهانی حاصل نگشته است. چنانچه متن اوستا هم گواهی خوب در این باره است و تکامل اوستا را می‌توان در این کتاب به خوبی رد گرفت.

کتاب ماه: پس در اوستا اغلب به گونه‌ای از هنتوتیسیم (یک خدای بزرگ در کنار خدایان کوچک) مواجه هستیم؟

بله کاملاً همین‌طور است. البته وقتی که می‌گوییم اوستا، گات‌ها که سرودهای خود زرتشت است جداست. شما در تمام این هفده سرود زرتشت که به نام گات‌هاست نام

ایزدانی را که در دیگر قسمت‌های اوستا وجود دارد، نمی‌بینید. در این قسمت‌ها نه نام مهر، نه نام بهرام و نه حتی نام فرّوشی‌ها و نه نام خدایانی دیگر وارد است. زرتشت فقط از سپنتامینو و انگره‌مینو و اهورامزدا صحبت می‌کند. او جایی از اهورامزدا و جایی از مزدا و گاه از اهورا یا مزدا، جفا سخن می‌گوید. به تعبیر دیگر یک دین در حال تکوین است. به جز از گات‌ها در تمام قسمت‌های دیگر اوستا باور به چندخدایی و هنتوتیسیم مشاهده می‌شود.

کتاب ماه: میترایسیم تا چه اندازه از نظام‌های اساطیری و اندیشگانی دیگر ایران چون زروانیسم متأثر است؟

معتمد که قدیمی‌ترین و کهن‌ترین آیین ایران همان آیین زروانی است. زروانی‌ای که در بطن خود هم اساطیر



محض و هم فلسفه‌های بسیار پیشرو داشت. آیین مهر یا میترای، گرانبار از عقاید زروانی است. یعنی اگر یک محقق هرچه آیین مهر را بیشتر بشناسد و در آن دقت بیشتری کند دسترسی به شناخت آیین زروانی هم برای او بیشتر می‌شود.

کتاب ماه: می‌شود نشانه‌های گرانباری آیین مهر از آیین زروانی را بفرومایید؟

نشانه‌های بسیاری را می‌توان ذکر کرد و از آن میان تثلیث است. تثلیث زروانی همان تثلیثی است که در آیین مهری هم به وجود می‌آید. و همان‌طور که کارکردها در آیین زروانی مختص به یک خدای واحد و بزرگ نیست در آیین مهری هم همین‌طور است. و این ویژگی است که در آیین مانوی هم که گرانبار از دو آیین یاد شده است وجود دارد. به همین جهت ما کهن‌ترین آیین ایران را می‌توانیم آیین زروانی بدانیم و بعد از آن آیین میترای است. خود میترا بسیار کهن می‌باشد. میترا اگر انسان بخواهد آن را بشناسد و آن را به خوبی دریابد باید به بعد اساطیری خورشیدپرستی هم توجه داشته باشد. به همین جهت بخش ویژه‌ای در کتاب «تاریخ آیین رازآمیز میترای» را به پیشینه‌های خورشیدی‌پرستی و ویژگی‌های مشترک آن اختصاص داده‌ام و در کتاب «حکمت خسروانی» نیز از بعد عرفانی.

کتاب ماه: آیا تفاوتی میان میترایسیم و خورشیدپرستی وجود دارد یا خیر؟

البته تفاوت بسیاری دارد. من در کتاب «تاریخ آیین رازآمیز میترای» درباره‌ی وجوه اشتراک این دو پژوهش اشاره کافی و مستند کرده‌ام. مواردی چون نشانه‌ها، سمبل‌ها و رازهای مشترک. اما میترا خدای خورشید نیست در خود اوستا هم این موضوع را می‌توان دریافت. میترا خدای نور و روشنایی

است به همین دلیل است که در کتاب «حکمت خسروانی» یعنی حکمتی که از میترایسیم منشعب و متأثر می‌شود، از اصحاب نور سخن می‌رود. در این باره باید بگویم اگر کسی بخواهد آیین میترای به ویژه تحول این اساطیر در ایران را مورد مطالعه قرار دهد باید حکمت خسروانی یا حکمت فهلویون را به خوبی مطالعه نماید. من در کتاب حکمت خسروانی تلاوم اساطیر میترای را در شکل متحول آن به اساطیر عرفانی مطرح کرده‌ام. دقت کنید اساطیر میترای گرایش بسیاری برای تبدیل به اساطیر عرفانی دارند به بیان دیگر یعنی یک نظام اساطیری حماسی و مافوق تفکر بشری که جنبه‌های قصه‌ای و داستانی آن بسیار است، به خاطر غنای محتوایی خویش و نیز به عنوان یک متن و با توجه به شرایط و موقعیت زمان تبدیل به اساطیر عرفانی می‌شود. به همین جهت است که باید مهم‌ترین و موفق‌ترین و ارث ادبیات حماسی ایران را در برداشته‌های عرفانی سهروردی قلمداد کرد. در کتاب سهروردی تبدیل اساطیر حماسی میترای به اساطیر عرفانی روشن، زیبا، گویا و ملموس است. اما باید درباره‌ی پرسش شما بگویم که میترایسیم به بخشی از پیشینه‌های خورشیدپرستی برمی‌گردد، اما خود نظامی شکل‌یافته و مستقل می‌گردد.

کتاب ماه: یعنی تفاوت میان این دو تنها در آن است که میترا روشنایی خورشید و نه خورشید است؟

بله - در ریگ ودا و اوستا، میترا نور و روشنایی خورشید است که پیش از طلوع خورشید در آسمان پدیدار می‌شود. مقدم بر خورشید و پیش‌قراول آن است، نه خود خورشید. در اوستا از خورشید با نام و صفت هورخشیتَه xšaeta - Hvare هور - خُشیتَه یاد می‌شود و سرودی ویژه آن هست. اما میترا نور طلوع خورشید نور محض و روشنایی است، چنانکه در «ریگ ودا» نیز خورشید با نام‌هایی دیگر آمده و برایش سرودهایی هست. به همین جهت است که آیین میترای در بعد عرفانی‌اش، به حکمت نوریه مشهور است و اصحاب نور، همان میترای‌ها هستند که در کتاب «حکمت خسروانی» به ویژه در شکل عرفان اسلامی، درباره‌ی آن پژوهش‌هایی هست. **کتاب ماه: در همان مهریشت از میترا به عنوان دارنده‌ی دشت‌های فراخ نام می‌رود. آیا پرستش میترا به نوع خاصی از معیشت بازمی‌گردد. یعنی برای مثال می‌توان آن را خدای آریاییان رهبان و دامدار تلقی نمود و کسانی که به آن معتقد بودند، معیشت خاصی داشتند؟**

نه، درباره‌ی اساطیر میترای باید بدانید که هر آیینی هر اندازه که قدیمی و کهن‌تر باشد محدودتر نیز هست و اساطیر و تفکر موجود در آن نیز دامنه‌ی فراخی از اندیشه‌وری‌های انتزاعی را دربر نمی‌گیرد و اعتقاد در پدیده‌ها یا صورت‌هایی خاص از زندگی تجلی می‌یابد. بگذارید منظورم را بهتر بیان کنم. ملاحظه‌ی نمایم که انسان کهن چشمش فقط به آسمان بود که چه وقت خورشید طلوع می‌کند و این امر را در خود مهریشت هم می‌بینید. طبیعه و پیش‌قراول آسمن خورشید تلاءلو و نور اوست و به همین جهت است که در مهریشت هم از میترا به عنوان نور خورشید نام می‌رود. یک میترای پیش از برآمدن خورشید نور آن را می‌دید و به آن رغبت داشت و آن خدایی بود که جنبه‌ی عرفانی گرفت. هرچند ما در مهریشت



میترا را یک خاوند جنگ هم ملاحظه می‌کنیم ولی در کنارش یک جنبه دیگر، یعنی خاوند صلح، خاوند حاصلخیزی، خاوند به اصطلاح پیوندگر میان اقوام را مشاهده می‌نماییم. لقب مهر یعنی ونوروگوئیویاتی *gao yaoyiti* Vauru یک ترجمه‌اش، ترجمه عادی آن، دارنده دشت‌های حاصلخیز و ترجمه دیگری از لحاظ دانش ریشه‌شناسی و اشتقاق پیوندگر دوستی و مهر و محبت میان اقوام است.

خورشید در آسمان می‌تازد اما بشر اولیه که زراعت می‌کند یا از تاریکی می‌ترسد و یا از گرمای خورشید لذت می‌برد چشمش به آسمان بود که خورشید را ببیند او در فکر عرفان و اساطیر عرفانی نبود. اما سده‌ها بعد این اساطیر، قصه‌ها و باورها منبسطتر می‌شود و به همین جهت قابلیت پذیرش بسیاری از ایده‌ها را می‌یابد. قابلیت پذیرش آیین میترا برای اساطیر عرفانی بسیار زیاد است. به همین جهت عرفان و حکمت ایران گرانبار از ماه‌های میترا است. درباره سخن شما باید گفت که توصیف‌های اولیه بیشتر توصیف طبیعت بود، اما بعد مفهوم انتزاعی، منبسطتر و عرفانی‌تری پیدا کرد. هر اسطوره‌ای در طول زمان، از یک اندیشه، یا رویناد شایان توجه قومی، و یا یک حادثه ساده پهلوانی، یا یک فکر و اندیشه ساده طبیعی مایه می‌گیرد. اما در طول زمان، هر چه که از منشاء نخستین دور می‌شود، چون یک پیله، تارهایی فراوان، آن هسته دیرینه را می‌پوشاند.

کتاب ماه: آیا یادآور کارکردهای سه گانه دومیل نیست؟ خدای جنگ، خدای...

○ خوشکاری‌ها و وظایف میترا بسیار است. بله میترا خدای جنگ‌آوری هم هست. در میان جنگ رزم‌آوری که از جنگ باز می‌مانند از میترا یاری و یلوری می‌طلبیدند و میترا یاریشان می‌داد. میترا به یاری خدایان همراه به یاری فرد و سپاهش می‌آمدند و سپاه دشمن را می‌راندند. میترا خاوند جنگ هست اما ما تنها نمی‌توانیم از این منظر به او نگاه کنیم. همان‌طور که پیشتر گفتم بسیاری از کارکردها را خدایان مختلف داشته‌اند ولی میترا این کارکردها را گسترده‌تر داشته است. نگاه کنید مثلاً در فرورین یشت (یشت سیزدهم) فروشی‌ها هم جنگاورند آنها هم خیر و برکت می‌دهند و آنان هم طالب صلح و امنیت میان اقوام مختلف هستند و حتی بسیاری از کارکردهای دیگر را هم دارند. میترا هم همین‌طور است. اما این خصیصه جنگ‌آوری میترا نیست که این خاوند

کسی بر شما حکمرانی نکرد و دست به ظلم گشود، و به حقوقتان تعدی نمود، حتی به زور و قهر او را از میان خودتان بردارید. از سوی دیگر، فرمانروا، خلیفه و نماینده خاوندگار به روی زمین و یا فرزند او بود و این بهترین دست‌آویز حکومت خودکامگی و استبداد برای فرمانروایان و امپراتوران روم شد و در رواج آیین میترا و قبول آن، در توسعه آیین و جایگاه خود کوشیدند.

کتاب ماه: آیا این اندیشه میترا بی‌خاستگاه اجتماعی و اعتقادی خاصی دارد و مقبولیت آن به چه چیز برمی‌گردد؟

○ این آموزه و اصل در حکومت فرمانروایی امری مهم و الزامی است. اما اگر برسید که جنبه سیاسی آن چرا تا این حد قوت داشت که امپراتوران روم آن را پذیرفتند. پرسش شما این پاسخ را برمی‌تابد که خورشید سلطان آسمان است. مهر در اوستا بزرگترین یزتها *Yazata* است یعنی بزرگترین خدایان که بیشترین قدرت را دارد. در قدیم این اعتقاد وجود داشت و در مهریشت هم می‌بینید که مهر به کسانی کمک می‌کند که از او پیروی کنند. او در جنگ میان دو قوم به آن کسانی کمک می‌کند که با خلوص او را بخوانند و بخوانند و از او اطاعت نمایند. امپراتوران از این مفهوم و باور بهره جستند خود را جانشین مهر دانستند و خورشید یا پسر خورشید قلمداد کردند که اطاعت از او واجب است. اما آنان اغلب آن قسمت گاتایی را که بی‌شک با اعتقاد با مهر آمده بود فراموش کردند. یعنی این اندیشه ایران باستان که مهر علاوه بر آنکه خدای جنگ است خدای صلح هم هست.

کتاب ماه: پس بر این اساس می‌توان گفت که در بین تمدن‌ها یک گفتمان فرهنگی به وسیله فلاسفه و اندیشمندان وجود داشته و این مبادلات فرهنگی پیش از آنکه نظامی‌ها دخیل باشند، بانسوی که اقوام به سرزمین هم داشته‌اند موثر بوده است؟

بی‌گمان چنین

بوده است. مطالعه تطبیقی فرهنگ‌های گوناگون مردم جهان باستان، این تصدیق عینی را ارائه می‌کند. ناقلان، داد و ستدکنندگان، طالبان علوم و دانش‌ها، فلاسفه و حکما و بازرگانان بودند؛ چون نظامی‌ها کمتر از فرهنگ و یا جست و جو و کاوش و پژوهش آن بهره داشتند. چنان اشاره شد در روابط فرهنگی و نقل و انتقال فرهنگ و اندیشه میان ایرانیان و یونانیان و بابلی‌ها و چینی‌ها و هندی‌ها و مصری‌ها و حوزه فرهنگی مدیترانه، این کسان بودند و مستندات در این باورداشت بسیار است. در حالی که در مورد احاطه آن به نظامی‌ها، جز جنس و گمان و ارایه دلایلی سسته چیزی نیست.

را در جهان کهن به صورت خدایی جهانی درمی‌آورد زیرا - بنا به عقیده کومن و پیروانش پیش از آنکه دزدان دریایی از طریق سیسیل مابین آسیا و اروپا ارتباط فکری و اعتقادی را به وجود آورند میترا بیشتر در خود امپراتوری روم و یونان شناخته شده بود. همان‌طور که زرتشت شناخته شده بود. همان‌طور که یلوتارک از او صحبت می‌کند. این یلوتارک است که امروز کلید درک بهتر مهر میانجی را به ما می‌دهد، میستس یا میانجی *mistes* که او به آن اشاره می‌نماید همان مهر است. همان مهر میانجی که ما در اوستا نیز او را می‌یابیم؛ همان میانجی که است که میان اهورامزدا و اهریمن قرار دارد. همان میانجی که مابین فضای زیرین و زبرین، روشنی و تاریکی را از هم جدا می‌کند. همان میانجی که داور ارواح است و در سر پیل چینوت (= پیل صراط) این کار را انجام می‌دهد. باید بگویم نظریه کومن درباره گسترش آیین میترا نظریه‌ای قدیمی و مربوط به سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۰ است و البته او به سهم خویش در این باره جستجو و کاوش بسیار کرد.

کتاب ماه: و آیا طرح کارکردها و طبقات سه گانه دومیل درباره میترا هم صدق می‌کند؟

○ بله - هر گاه به وظایف میترا در مهریشت دقیق شویم، مهر خود یک سلحشور و جنگار بی‌بدیل است. یک واشریه / فشوینت *Vastra - Fsuant* یا کشاورز / دامدار است و چنان که جنگاوران و سپاهیان به او ملتجی می‌شوند: کشاورزان - شبانان نیز وی را سرور خود می‌دانند. مهر با روحانیان نیز، و مؤمنان باورمند خود مناسبات نزدیک دارد، چنان که هر گاه درست و از روی سست‌ها و مراسم عبادت شود، پاسخ مناسب به استغاثه‌کنندگان می‌دهد.

کتاب ماه: آیا میترا بیستم در طول حیات خویش با ساختار سیاسی هم هیچ ارتباطی داشت؟

○ یکی از مباحث بسیار جالب درباره آیین میترا این است که چرا امپراتوری روم آیین‌های سنتی خود را کنار نهاد و پذیرای آیین میترا شد. و پاسخ این پرسش استفاده آنان از همین سنت سیاسی است. یعنی شکل و فرم سیاسی‌ای که این آیین عرضه می‌داشت و این شکل سیاسی آیین شاهی و شهریاری بود. خسترا *xasathra* آیین شاهی است و زرتشت از آن به عنوان شاهی خوب سخن می‌گوید. نه به معنی شاهی و سلطانی که ما از این واژه می‌فهمیم. بر اساس آموزه‌های او فرمانروایی در میان مردم باید حکومت کند که از روی عدل و انصاف رای دهد. آگاه و حکیم باشد و اگر چنین

